

## تقاضا اشغالگری در خیابان کینگ دیوید

۲۷ مارس ۲۰۰۲ - هتل پارک، نتانیا

پسح (به عبری: Pso) در میان یهودیان روز مقدسی است که آن را به یاد آزادی قوم یهود از قید برده‌داری فرعون‌های مصر جشن می‌گیرند و یکی از سه عید بزرگ آنها محسوب می‌شود. اما عید سال ۲۰۰۲ برای ساکنان سرزمین‌های اشغالی، طور دیگری بود.

تعداد زیادی از صهیونیست‌ها در حالی آن سال را در «هتل پارک» خیابان کینگ دیوید شهرک «نتانیا» جشن گرفته بودند که چند هزار نفر از سربازان ارتش اسرائیل مأمور حفاظت از مرکز فلسطین اشغالی بودند و کسی فکرش را هم نمی‌کرد که یک جوان ۲۵ ساله فلسطینی بتواند وارد آنجا شود. «عبدالباسط محمد قاسم عوده» اهل طولكرم، عصر آن روز با چند بمب دست‌ساز وارد هتل شد تا یکی از بزرگ‌ترین عملیات استشهادهای تا آن روز را در میان جمع کثیری از اشغالگران رقم بزند.

این اتفاق دقیقاً در ساعت ۱۹:۲۵ رخ داد که طی آن ۳۰ نفر کشته و بیش از ۱۴۵ نفر نیز زخمی شدند.

فلسطین اشغالی به منظور جلوگیری از انجام عملیات شهادت‌طلبانه، آماده‌باش کامل اعلام کرده بود.

شاید بعد از حدود ۷ سال که صهیونیست‌ها، بدون کابوس «یحیی عیاش» (مغز متفکر و بنیانگذار عملیات‌های شهادت‌طلبانه گردان‌های عزالدین قسام) می‌خوابیدند، این یکی از هولناک‌ترین ضربات بر پیکر وحشت‌زده جامعه صهیونیستی بود که یک بار دیگر آنها را به اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی برد؛ روزگاری که یحیی و یارانش جای جای سرزمین‌های اشغالی را به قتلگاه صهیونیست‌ها تبدیل کرده بودند.

زمان‌سنجی حماس برای این عملیات به‌گونه‌ای رقم خورد تا بزرگ‌ترین عملیات شهادت‌طلبانه تاریخ فلسطین، مصادف شود با بزرگ‌ترین عملیات شهادت‌طلبانه تاریخ اسلام در دهمین روز از محرم یعنی «عاشورا».

به هر حال شاید، یهودیان اشغالگر قدس، روزی سالگرد عبور اجدادشان از رود نیل و آزادی از بند فرعون را فراموش کنند ولی بعید است هیچگاه



سالگرد بزرگ‌ترین عملیات شهادت‌طلبانه‌ای که عبدالباسط عوده برایشان رقم زد را به این سادگی از یاد ببرند.

### ■ متن وصیتنامه شهید عبدالباسط عوده

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا محمد صلی الله علیه وسلم  
می‌دانم که جدایی بسیار دشوار است اما این سنت خداوند برای مخلوق خود است؛ هیچ کس در این دنیا باقی نخواهد ماند و اگر [این جدایی] باعث اندکی سختی و مشقت برای شما شد ان شاء الله تحمل آن در راه خدا آسان خواهد بود و خداوند ثواب و پاداشی عظیم می‌دهد؛ بدانید که خداوند تعالی مؤمنان را به اندازه ایمان آنها امتحان می‌کند. به مادر عزیزم و پدر صالح و درستکارم و برادران و خواهران عزیزم:

هر وقت خبر شهادت مرا شنیدید، سرتان را بالا بگیرید زیرا فرزند شما دیدار خداوند عزوجل را دوست داشت و خداوند نیز مرگ با عزت و کرامت را نصیب وی کرد.

شما را به تقوای الهی و تقرب به خداوند عزوجل در همه شرایط سفارش می‌کنم و به خداوند اطمینان داشته باشید که هیچگاه [اجر] شما را ضایع نمی‌کند.

فرزند شما، شهید زنده (عبدالباسط عوده)

فرزند گردان‌های شهید عزالدین القسام

## حقی که با انفجار گرفته شد

۴ اکتبر ۲۰۰۳ - رستوران ماکسیم، حیفا

در میان زنان شهادت‌طلب فلسطینی که در نقاط مختلف سرزمین‌های اشغالی دست به عملیات استشهادهای زنده، «هنادی جرادات» را باید موفق‌ترین آنها در به هلاکت رساندن اشغالگران دانست.

«هنادی تیسیر جرادات» متولد منطقه «الحی» شهر جنین و وکیل ۲۷ ساله بود. اندکی قبل از عملیات وی و در پی هجوم ارتش رژیم اشغالگر قدس به منزل شان، برادرش فادی به همراه پسرعمویش صالح به شهادت رسیدند و شاید از آن پس بود که هنادی تصمیم گرفت انتقام خون برادر و دیگر شهدای فلسطین را یکجا بگیرد.

او ششمین زنی بود که تصمیم داشت با انجام عملیاتی استشهادهای در یکی از مناطق پر تردد اشغالگران، جان خود را فدای آرمان قدس کند.

روز عملیات، در حالی که به خانواده خود گفته بود برای خرید به همراه یکی از دوستانش به بیرون می‌رود، راه روستای «برطعه» را در پیش گرفت؛ جایی که آخرین ایست و بازرسی اشغالگران در آنجا

۴ اکتبر ۲۰۰۳ رستوران بزرگ شهر حیفا در ساحل این شهر بندری مملو از صهیونیست‌هایی بود که برای گذراندن پایان هفته خود به این شهر آمده بودند.

هنادی وارد رستوران «ماکسیم» می‌شود، سفارش غذا داده و حتی پول آن را هم حساب می‌کند. پلیس و سایر نیروهای رژیم صهیونیستی وقتی دریافتند هنادی پس از صرف آخرین غذای زندگی‌اش، با آرامش صورتحساب را پرداخته و سپس دست به عملیات زده است شوکه شدند. آنها ابتدا این موضوع را باور نکردند اما گواه این امر را در صندوق رستوران یافتند چرا که هنادی پیش از انجام عملیات، ۹۰ شیکل پول غذایش را پرداخته بود.

دقایقی از این حضور نگذشته بود که یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های شهادت‌طلبانه از تاریخ شروع انتفاضه الاقصی تا آن روز توسط یکی از زنان شهادت‌طلب جنبش جهاد اسلامی رخ می‌دهد.

ناگهان انفجاری مهیب در محل این رستوران موجب می‌شود تا ۱۹ نفر از صهیونیست‌های حاضر در سالن کشته و ده‌ها نفر دیگر نیز مجروح شوند.



اندکی بعد از عملیات، خانواده هنادی از طریق شبکه المنار از انجام عملیات باخبر شده و دقایقی بعد هویت مجری عملیات شهادت‌طلبانه نیز اعلام می‌شود. پدر هنادی که از بیماری کبد رنج می‌برد با حضور اقشار مختلف مردم در منزل شان که برای عرض تسلیت آمده بودند، گفت: «من از تسلیت‌گویان استقبال نمی‌کنم، بلکه از کسانی استقبال می‌کنم که شهادت دخترم را تبریک می‌گویند. آنچه که هنادی انجام داد مایه افتخار من است.»

### ■ متن وصیتنامه تصویری شهید هنادی جرادات

به حول و قوه الهی تصمیم گرفتم ششمین زن شهادت‌طلب باشم که پیکر خود را منفجر می‌سازد تا شهرک نشینان و صهیونیست‌ها را نابود کند. ما فقط خواهان آن نیستیم که باید بهای جنایات آنها را بپردازیم تا مادران ما دیگر برودگان و فرزندان شان شیون و زاری نکنند، بلکه ما باید کاری کنیم که مادران صهیونیست‌ها را به عزای شان بنشانیم. پس از توکل به خداوند متعال تصمیم گرفتم با مرگ که صهیونیست‌ها با آن ما را احاطه کرده‌اند، خودشان را به محاصره درآورم و کاری کنم که مادران شان اشک حسرت بریزند. از پروردگار می‌خواهم ما را در بهشت برین و آنها را در جهنم قرار دهد.

دختر شهادت طلب شما، هنادی تیسیر جرادات

قرار داشت. ۳ روز قبل، هنادی به کمک پسرعموی خود (سامی) در یکی از منازل متعلق به جنبش جهاد اسلامی که آن را در اختیار شهادت‌طلبان قرار داده بود، ضمن قرائت وصیتنامه تصویری خود در مقابل دوربین فیلمبرداری، نحوه کار با کمربند انفجاری را هم یاد و تصمیم خود را برای انجام عملیات گرفته بود.

او در این تصاویر کوتاه که پس از شهادتش از رسانه‌های مختلف جهان پخش شد، می‌گوید: «به حول و قوه الهی تصمیم گرفتم ششمین زن شهادت‌طلبی باشم که پیکرش به ترکش‌هایی تبدیل شود که قلب صهیونیست‌ها و شهرک‌نشین‌ها را که تلاش کردند بذر مرگ را در سرزمین ما بکارند، هدف قرار دهد...»

هنادی در میان ۶ خواهر دیگر خود بزرگ‌ترین دختر و تنها فرزندی بود که توانست به دانشگاه برود و بعد از ۵ سال مدرک وکالت خود را بگیرد.

با گذشتن از روستای «برطعه» و عبور از آخرین مقر ایست و بازرسی صهیونیست‌ها، تا حیفا مانع دیگری در مقابل این وکیل جوان که حالا بمبی قابل کنترل را به همراه داشت، نبود اما هنادی مجبور شد برای رسیدن به حیفا ۵۰ کیلومتر را به سمت شمال برود. برای این کار، او یک تاکسی با شماره پلاک اسرائیلی کرایه کرد و با عبور از روستای برطعه، پوشش فلسطینی خود را نیز تغییر داد.